



# سکالینج انداز

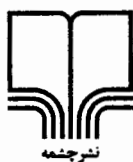
مقدمت و توضیح  
مهران افشاری  
فرزاد مروجی

ده ساله وزیر انداز  
و کماندای و جفاور

رسالة في تاريخ الزمان

---

سرشناسه: افشاری، مهران. - ۱۳۴۶  
عنوان و نام پدیدآور: رساله‌های تیراندازی؛ ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری / مقدمه،  
تصحیح و توضیح مهران افشاری، فرزاد مروّجی  
مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۶  
مشخصات ظاهری: ۳۵۷ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۳۳-۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
موضوع: تیراندازی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴  
موضوع: Early works to 20th century -- Shooting  
موضوع: کمان‌کشی -- ایران -- متون قدیمی تا قرن ۱۴  
موضوع: Early works to 20th century -- Archery -- Iran  
شناسه افزوده: مروّجی، فرزاد، ۱۳۶۴-  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ش ۷۱۸۵ / الف  
رده‌بندی دیویی: ۷۹۹ / ۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۱۳۹۴۵



دو ساله و تیر انداز  
و کمانداری و جنگاور



# رساله تیر انداز

مقدمه و توضیح: مهران افشاری فرزاد مروجی

رده‌بندی نشر چشمه: اسطوره و تاریخ

رساله‌های تیراندازی  
ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری  
مقدمه، تصحیح و توضیح  
مهران افشاری، فرزاد مروجی

مدیر هنری: مجید عباسی  
چاپ و صحافی: دارا  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷، تهران  
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان  
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.  
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۳۳-۸

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتابفروشی نشر چشمه کریم‌خان: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتابفروشی نشر چشمه کوش: تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوش، طبقه پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ — کتابفروشی نشر چشمه آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نیش خیابان فخرامقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۲۵۵-۷ — کتابفروشی نشر چشمه رایزن: تهران، خیابان نیاوران (باهنر)، بعد از سمرای پاسر (به سمت تجریش)، پلاک ۳۱۱. تلفن: ۲۶۸۵۲۱۳۵ — کتابفروشی نشر چشمه بابل: بابل، خیابان شریعی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) — کتابفروشی نشر چشمه کارگر: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه چهارم، پلاک ۲. کتابفروشی نشر چشمه پریس: تهران، خیابان پاسداران، نیش گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه دوم. تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸ — پخش کتاب چشمه: تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

من چو موسی مانده‌ام اندر غمِ دیدارِ تو  
هیچ دانی تا علاجِ کُنِ ترانی چون کنم؟

با یاد آن شهسوار یکه‌تاز عرصه‌فرهنگ و ادبیات ایران،  
دانشمندِ فقید، استاد ایرج افشار

## فهرست مطالب

|     |                                                                          |
|-----|--------------------------------------------------------------------------|
| ۹   | یادداشت                                                                  |
| ۱۳  | مقدمه                                                                    |
| ۲۹  | رساله اول: در تیراندازی و کشتی گیری و تیغ آب دادن و جنگ کردن و اسب تاختن |
| ۵۳  | رساله دوم: رساله فروسیه                                                  |
| ۷۵  | رساله سوم: ایضاح از طاهر ماوراءالنهری                                    |
| ۱۱۷ | رساله چهارم: هدایة الرّمی از محمد بنده سید میرعلوی                       |
| ۲۰۵ | رساله پنجم                                                               |
| ۲۱۷ | رساله ششم                                                                |
| ۲۲۷ | رساله هفتم: دوازده قاعده تیراندازی                                       |
| ۲۴۱ | رساله هشتم: چهارده باب در تیروکمان                                       |
| ۲۵۵ | رساله نهم                                                                |
| ۲۶۱ | رساله دهم: منظومه طاهر بلخی                                              |
| ۲۷۱ | پیوستها                                                                  |
| ۳۰۷ | فهرستها                                                                  |
| ۳۰۹ | فهرست منابع و مأخذ                                                       |
| ۳۱۲ | فهرست آیه های قرآن مجید                                                  |
| ۳۱۳ | فهرست احادیث و روایات و اقوال عربی                                       |
| ۳۱۵ | فهرست اشعار رساله ها به ترتیب حرف آغازین بیت                             |
| ۳۲۹ | فهرست نام کسان                                                           |
| ۳۳۳ | فهرست نامهای جغرافیایی                                                   |
| ۳۳۵ | فهرست نام کتابها                                                         |
| ۳۳۷ | فهرست لغتها، تعبیرها، اصطلاحها و موضوعها                                 |

## یادداشت

به نام خداوند خورشید و ماه      که دل را به نامش خرد داد راه  
 خداوند هستی و هم راستی      نخواهد ز تو کزوی و کاستی  
 خداوند بهرام و کیوان و شید      از ومان نوید و بد ومان امید

شاهنامه

در جوانی با مطالعه جامع الهدایة فی علم الزمایة از نظام الدین درویش بیهقی به کوشش شادروان محمدتقی دانش پزوه (فرهنگ ایران زمین، ج ۱۱، ۱۳۴۲ ش.) و منتخب الزمان در بیان تیراندازی از محمدزمان چراغ بیک به کوشش شادروان ایرج افشار (یادنامه سپهبد آقاولی، تهران، ۱۳۵۶ ش.) با رساله های تیراندازی آشنا شدم و آنها را به فتوت نامه های صنفی بیش و کم همانند یافتم. سپس خود دورساله تیراندازی و کمانداری را تصحیح و منتشر کردم و همواره در انتظار فرصتی بودم تا بتوانم مجموعه ای از رساله های تیراندازی را منتشر سازم.

تابستان ۱۳۸۹ شمسی پس از آنکه مرحوم استاد ایرج افشار و این جانب با همکاری یکدیگر چند متن از قصه های کهن فارسی، خاصه قصه های نقالی، را تصحیح کرده بودیم، شادروان آقای افشار پیشنهاد فرمود که متنی دیگر از قصه ها را برای تصحیح و تنقیح در دست بگیریم و بنده متقابلاً پیشنهاد کردم که به یاری هم مجموعه ای از رساله های تیراندازی را تصحیح و آماده نشر کنیم و آنچه را هم خود، هردو، پیش از آن منتشر کرده ایم در آن مجموعه بگنجانیم. مرحوم آقای افشار پیشنهاد را پسندید و به



فراهم نمودن عکسهای نسخه‌های خطی رساله‌های تیراندازی اهتمام ورزید و حتی در این باره با برخی از کتابخانه‌های خارج ایران هم مکاتبه کرد. ایشان در طی یک یا دو ماه به یاری برخی از دوستان خود عکس سه کتاب خطی مهم درباره تیراندازی و کمانداری را فراهم آورد. در شهریورماه همان سال پیش از آنکه برای درمان به امریکا سفر کنند آنها را به بنده سپردند و فرمودند نزد تو باشد تا پس از بازگشت از سفر کار را شروع کنیم. ای دریغا که درمان ایشان نتیجه‌بخش نبود و افشار در اسفند همان سال دارفانی را وداع کرد و ازین دنیا برقت.

بنده تنها ماندم با عکسهای رساله‌های تیراندازی و غم گران فقدان آن دوست و استاد عزیز و گرانمایه. پس از درگذشت شادروان ایرج افشار عکسهای رساله‌های تیراندازی را برحسب وظیفه به فرزندشان، جناب آقای آرش افشار، بازگرداندم تا در گنجینه پژوهشی ایرج افشار محفوظ بماند. آرش از بنده خواست که کار تصحیح رساله‌های تیراندازی را به انجام برسانم و آنها را به چاپ بپردازم اما من به علت تألمات روحی این امر را نپذیرفتم.

در همان دوران دریافتم در یک مجموعه خطی محفوظ در کتابخانه ملک، باقی مانده از اوایل سده نهم هجری، رساله‌ای ارزشمند در تیراندازی و کمانداری مندرج است اما از اینکه برای تهیه عکس آن خود را بایست به آمدوشد به کتابخانه ملک گرفتار می‌گردم، منصرف گردیدم که عکس آن را فراهم کنم. از قضا در همان سال جناب آقای ابوالعلاء سودآور، نواده فاضل و فرهیخته مرحوم حاج حسین آقا ملک، که از امریکا به تهران سفر کرده بودند، تلفنی از بنده خواستند تا ملاقاتی داشته باشیم تا بلکه برخی از پرسشهای ایشان را درباره فتوت بتوانم پاسخ دهم. آقای سودآور به دفترم در بنیاد دایرة المعارف اسلامی تشریف فرما شدند. در طی گفتگویی که داشتیم از ایشان خواستم که عکس آن رساله تیراندازی را از کتابخانه ملک برای بنده فراهم کنند. دو روز پس از آن، رساله‌ای که خواسته بودم در لوح فشرده از طرف آقای سودآور به دستم رسید که در همین جا از جناب سودآور تشکر می‌کنم. هنگامی که تصویر نسخه یادشده را دیدم و واریسی کردم، بیشتر دریافتم که بسیار ارزنده است و افزون بر مطالبی درباره تیر و کمان، مباحثی منحصر به فرد هم درباره کشتی گرفتن و همچنین نبرد سواره

با نیزه را در بر دارد. پس به وجد آمدم و عزم خود را استوار کردم تا عکسهای رساله‌های تیراندازی را از دوستم، آقای آرش افشار، پس بگیرم و به تصحیح رساله‌های تیراندازی بپردازم. آرش که آنها را نزد خود نگه داشته بود، به بنده برگرداند اما مشغله‌های فراوان و گرفتاریهای کاری بنده در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی و کارهای دانشنامه جهان اسلام، مجال نمی‌داد که به تنهایی رساله‌های تیراندازی را استنساخ و تصحیح کنم. پس از همکار و دوست جوان و فاضلم در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، آقای فرزاد مروّجی، خواهش کردم که در این کار مهم مرا یاری برساند. او استقبال کرد و پذیرفت و به یاری هم در طی چهار تا پنج سال به استنساخ و تصحیح رساله‌های کتاب حاضر پرداختیم و کاری بس دشوار بود. بی گمان اگر یاری‌رسانی و دقت نظرهای او نبود، این کار به انجام نمی‌رسید. در پایان این سخن باید سپاسگزاری کنم از دوستم، آقای آرش افشار، برای توجه و عنایتش به این کتاب و اینکه موافقت فرمود دو رساله تیراندازی که سالها پیش به تصحیح مرحوم پدرشان منتشر شده بود به عنوان پیوست در آخر کتاب حاضر مجدداً منتشر شود؛ و سپاسگزاری می‌کنم از استاد علامه، جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبائی، که راهنمایی فرمودند تا مقدمه کتاب را تکمیل و برخی از اعلام و واژگان هندی یک رساله را تصحیح کردم. از دوست و همکار دانشمند جناب استاد رحیم رئیس‌نیا که واژگان ترکی رساله نخست را تصحیح و ترجمه فرمودند هم تشکر می‌کنم. از آقای مروّجی که به دوستی مان ارج نهاد و دست خسته و چشمان ضعیفم را مدد رساند، بسیار سپاسگزارم و می‌دانم در ادای تشکر از محبت‌هایش خامه‌ام ناتوان و زبانم قاصر است. به قول نظامی:

این چه زبان و چه زبان دانی است      گفته و ناگفته پشیمانی است

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

مهران افشاری

تهران، باغ صبا، جمعه دوم تیرماه ۱۳۹۶

## مقدمه

گر بپرانیم تیر، آن نه ز ماست      ما کمان و تیراندازش خداست

مثنوی

سی و اندی سال پیشتر از اکنون که این سطرها را می‌نگارم، هنگامی که مطالعه و تحقیق را دربارهٔ فتوت و آیینها و طریقه‌های وابسته به آن از جمله قلندری و خاکساری آغاز نمودم، دانستم که منابع چاپ‌شده در این موضوع بسیار اندک است و بیشتر منابع مربوط به فتوت به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های جهان، چاپ‌نشده و ناشناخته باقی مانده است. پس به یاری حق از همان هنگام کوشیدم ضمن مطالعات خود عکس نسخه‌های خطی مرتبط به فتوت و متعلقات آن را گرد آورم و به تصحیح و چاپ و نشرشان پردازم.

اینک به خوانندگان محترم باید یادآوری کنم که افزون بر رساله‌های اهل فتوت و اصناف پیشه‌ور و قلندران و درویشان خاکسار و همچنین قصه‌های نقلی که دربارهٔ عیاران و جوانمردان است و اشعار سخنوری درویشان عجم و خاکسار، رساله‌های تیراندازی هم می‌تواند به گونه‌ای منابع فتوت را تکمیل کند.

در تاریخ بشر تیر و کمان ابزاری بس کهن و باستانی است که برای شکار و جنگ به کار

می‌رفته است. به گفته باستان‌شناسان قدمت آن به حدود هشت هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد.<sup>۱</sup>

اقوام آریایی در استفاده از تیر و کمان بسیار چیره‌دست بودند و به پسران خود در کودکی آموزش می‌دادند که چگونه از تیر و کمان بهره‌مند شوند.<sup>۲</sup> در اوستا چندین بار نام تیر و کمان آمده است از جمله در مهریشت آمده که در گردونه مهر (میترا) هزار کمان خوب که بسیاری از آنها آراسته به زه گوزن است و هزار تیر با پر کرکس نهاده شده است.<sup>۳</sup> همچنین در همان یشت از تیری که به پر شاهین درنشانده شده و به چابکی از کمان رها می‌شود و از ابزارهای دیگر جنگی مانند سنگ فلاخن و کارد و گرز سخن رانده شده است.<sup>۴</sup> قهرمان تیراندازی که نامش در اوستا آمده، آرش است که نامش به صورت رُخْشَه به همراه صفت تیز تیر در تیریشت (یشت هشتم، بند ششم) ذکر گردیده که تیری از کوه اَیْرُیُوخْشُئُوْه به کوه خُوئُوْئُث انداخته و از منتهای دوره اسلامی می‌توان دانست که او با این کار مرز ایران و توران را مشخص کرده است. در رساله پهلوی ماه فروردین روز خرداد (بند ۲۲) نام آرش به صورت ایرش شیباک تیر آمده است که در دوران منوچهر زمین ایران را از افراسیاب بازستاند. در متون دوره اسلامی از جمله در الآثارالباقیه نوشته ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ ق.) و تاریخ طبری افسانه آرش به تفصیل آمده است که منوچهر، پادشاه پیشدادی، با افراسیاب، فرمانروای توران، صلح کرد و منوچهر از افراسیاب خواست که به اندازه یک تیر پرتاب از خاک ایران را به او بازگرداند و افراسیاب پذیرفت. به آرش که تیرانداز زبردستی بود دستور دادند که تیری پرتاب کند. او برهنه شد و تن خود را به مردم نشان داد و گفت: «بنگرید که تن من از هر جراحت و بیماری عاری است اما پس از این تیراندازی نابود خواهم شد». در همان حال کمان را کشید و تیر را رها کرد و تنش پاره‌پاره شد. تیر او به زمین خُلم در بلخ به یک درخت گردو فروآمد و این‌گونه مرز ایران و توران معین شد.<sup>۵</sup>

۱. از راهنمایی جناب دکتر بهمن فیروزمندی سپاسگزارم.

۲. کناوت، ولفگانگ: آلمان شهریاری ایران باستان، با همکاری و ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، ص ۱۲۳.

۳. پورداود، ابراهیم: زین‌البرز، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. تفضلی، احمد: «آرش»، مندرج در دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، ج ۱، ص ۷۷-۷۹.

ایرانیان باستان به فن تیراندازی پرآوازه بودند و پادشاه پارس را «فرمانده کمان» می‌نامیدند. سکا‌های ایران هم خدایی به نام «تیر» داشتند که تصویر او با تیر و کمانی در دست نشان داده می‌شد.<sup>۱</sup>

پادشاهان هخامنشی به چیره‌دستی خود در تیراندازی و کمانداری بالیده‌اند. کورش در کودکی به مادر خود گفته است که: «در پارس و در میان یاران خود بهترین تیراندام. همچنین در پرتاب کردن نیزه» و داریوش هم گفته است: «در کمانداری کماندار نیکم، چه پیاده و چه سواره».<sup>۲</sup>

کهنترین نوشته در ایران درباره تیراندازی کتیبه حاجی‌آباد فارس به زبان پهلوی درباره تیراندازی شاپور اول، پادشاه ساسانی (حک: ۲۴۱ - ۲۷۲ م.) است. ازین متن چند لوح نقره هم به زبان پهلوی در دست است<sup>۳</sup> که نشان از اهمیت تیراندازی شاپور دارد.

در دوره ساسانی کتابها و رساله‌هایی به فارسی میانه (پهلوی) درباره آداب و رسوم دربار، سلسله‌مقامات بزرگان دولت، قواعد بازیها و سرگرمیها و همچنین آداب جنگ با عنوان آیین‌نامه‌گ یا آیین‌نامه نگاشته شد.<sup>۴</sup> بعدها در دوره اسلامی از آیین‌نامه‌ها در کتابهای عربی به عنوان کتاب آیین یاد گردید.<sup>۵</sup> از جمله الندیدم که به سال ۳۷۷ هجری قمری الفهرست را تألیف کرد، از آیین‌نامه تیراندازی بهرام گور یا بهرام چوبین به این گونه نام برد: «کتاب آئین الرمی بهرام جور و قیل لبهرام چوبین»<sup>۶</sup> که نشان می‌دهد برخی از آیین‌نامه‌ها به تیراندازی اختصاص داشت.

ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶ ق.) در کتاب خود با عنوان عیون الاخبار مطالبی کوتاه اما بس ارزشمند را از یک آیین‌نامه درباره تیراندازی و کمانداری نقل کرده است<sup>۷</sup> که همانند آن مطالب را در برخی از رساله‌های تیراندازی کتابی که در دست دارید می‌توان یافت و این شگئی باقی نمی‌گذارد که نوع ادبی رساله‌های تیراندازی در دوران

۱. کناوت، آرمان شهریاری ایران باستان، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲. همان، ص ۲۴۵-۲۴۶.

۳. تفضلی، احمد: تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۸۴-۸۵.

۴. همان، ص ۲۴۷؛ محمدی ملایری، محمد: فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، ص ۱۵۸-۱۶۱.

۵. الندیدم: الفهرست تصحیح لیمن فؤاد سید، ج ۱/۲، ص ۳۴۶.

۶. ابن قتیبه الدینوری، ابومحمد عبدالله: کتاب عیون الاخبار، ج ۴، جلد ۲، مجلد ج ۱، ص ۱۳۳.

اسلامی ادامه همان آیین‌نامه‌های عهد ساسانی درباره تیراندازی و آداب جنگ است. همچنین در رساله‌های تیراندازی مندرج در کتاب حاضر بارها از آداب تیراندازی و کمانداری به روش بهرام گور (حک: ۴۲۱-۴۳۸ میلادی) سخن گفته شده است که می‌باید به همان آیین‌نامه تیراندازی بهرام گور که الندیم در الفهرست یاد کرده است، مرتبط باشد.

## ۲

عربهای قدیم هم با تیراندازی و کمانداری آشنا بوده‌اند. پیامبر اسلام (ص) در جنگ با کافران خود تیر پرتاب می‌کرده که خداوند در قرآن فرموده است: «و چون تیر انداختی، به حقیقت تو نبودی که تیر می‌انداختی بلکه خداوند بود که می‌انداخت».<sup>۱</sup>

از میان اصحاب پیامبر اکرم (ص) سعد بن ابی وقاص (متوفی ۵۵ ق.) تیراندازی چابک‌دست بود و روایت‌های گوناگون از تیراندازی او نقل شده است. درباره وی گفته شده که نخستین کسی بود که در راه خدا تیر انداخت.<sup>۲</sup> سعد فرمانده سپاه عرب در جنگ قادسیه و فاتح شهرهای عراق در حمله به ایران بود.<sup>۳</sup> در رساله‌های تیراندازی روایتها و افسانه‌هایی جالب درباره تیراندازی سعد بن ابی وقاص آمده است.

به هر تقدیر، در متون اسلامی هم از تیراندازی سخن گفته شده است. آنگاه که در کتابهای حدیث و فقهی مسلمین از جهاد سخن می‌رود و همچنین در مباحث مربوط به بازی و مسابقه، از تیراندازی و سوارکاری سخن به میان می‌آید و احادیث پیامبر اسلام (ص) درباره «رمی» یعنی تیراندازی نقل می‌شود از جمله در صحیح بخاری و کتاب مغنی<sup>۴</sup> ابن قدامه (متوفی ۶۲۰ ق.) و شاید از همه مهم‌تر در سده چهارم در کتاب الجهاد من کتاب التوادر و الزیادات اثر ابن ابی زید قتیروانی که در الجهاد حسب المذهب المالکی مندرج است (تحقیق ماتیاس فون بریدو، بیروت، دارالنشر فرانتس شتاینر-ستوتگارت، ۱۹۹۴ م.).

۱. قرآن کریم، سورة مبارکه انفال (۸): ۱۷، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی.

۲. الذهبی، شمس‌الدین محمّد: سیر اعلام النبلا، تحقیق حسین الاسد، به اشراف شعیب الأرناؤوط، ج ۱، ص ۹۸-۹۹.

۳. همان، ص ۱۱۵.

۴. بخاری، ابو عبد الله: صحیح، جزء ۱۱، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۵. ابن قدامه، ابو محمد عبد الله: المغنی، تصحیح محمد خلیل هراس، جزء ۸، ص ۶۵۲.

احادیث و روایات شیعه را درباره تیراندازی در «باب السبق والرماية و انواع الزهان» در بحار الانوار<sup>۱</sup> مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ق.) می‌توان ملاحظه کرد. اما چنانکه اشاره شد به عربی منبعی کهن که کتابی مذهبی و فقهی به‌شمار نمی‌آید و به آداب جنگ از جمله تیراندازی پرداخته، عیون الاخبار ابن قتیبه دینوری از قرن سوم هجری است که در فصل «كتاب الحرب» افزون بر روایتهای اسلامی و احادیث پیامبر اکرم (ص) از آثار عجم (ایرانیان) از جمله کتاب آیین یا آیین‌نامه هم مطالبی مهم نقل کرده است.<sup>۲</sup>

## ۳

یکی از انواع ادبی که در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی قابل توجه است رساله‌های تیراندازی و کمانداری است که گاه قوس‌نامه و رساله قوسیه هم نامیده شده است. از این نوع ادبی<sup>۳</sup> نسخه‌های خطی بسیاری به زبانهای فارسی و عربی در کتابخانه‌های جهان باقی است.

در رساله‌های تیراندازی و کمانداری، هم مباحث اسلامی و احادیث و روایتها در فضیلت تیراندازی آمده است و هم سخنان بسیار تخصصی درباره چگونه تیر انداختن، انواع تیر، طرز ساختن تیر و کمان و روشهای کمانداری و تیراندازی در جنگ و شکار بیان شده است که باید همان مباحث آیین‌نامه‌های دوره ساسانی و شاید هم با تغییر و شرح و بسط آنها باشد.

متأسفانه در ایران چندان به این نوع ادبی با پیشینه بس کهن آن توجه نشده است (آنچه از رساله‌های تیراندازی تا پیش از کتاب حاضر منتشر شده است در سطرهای بعدی معرفی می‌شود). اما دانشمندان عربی زبان تاکنون چند کتاب و رساله مهم در این موضوع منتشر کرده‌اند که به ترتیب قدمت به قرار ذیل است:

فضائل الزمی فی سبیل الله تعالی، از ابویعقوب اسحاق القربا الحافظ (متوفی ۴۲۹ ق.) به کوشش مشهور حسن محمود سلمان (چاپ اردن، زرقاء، ۱۴۰۹ ق. / ۱۹۸۹ م.).

۱. مجلسی، محمدباقر: بحار الانوار الجامعة لدرر و اخبار الائمة الاطهار، ج ۱۰۰، چاپ بیروت، ص ۳۲-۳۵.

۲. ابن قتیبه دینوری، عیون الاخبار، ج ۱، الجزء الثاني، ص ۱۰۱-۲۲۲.

المقترح فی المصطلح فی صید الطیر، از محمد بن اسماعیل بن عبیدالله بن ودعة معروف به ابن بقال (متوفی ۵۵۸ ق.)، به کوشش ابراهیم سامرانی (چاپ دبی، مرکز جمعة الماجد للثقافة والتراث قسم الدراسات والنشر، ۱۴۱۸ ق./۱۹۹۷ م.).

السبق و الرمی [و اسلحة المجاهدين]، از مؤلفی مجهول، به کوشش عید ضیف العبادی، در مجله المورد، زمستان ۱۳۶۲ ق. شماره ۴۸<sup>۱</sup>.

بُغیة العَرام و غایة العَرام فی رَمی السِّهام، از علاءالدین طَیِّغا اشرفی بکلمیشی یونانی (متوفی ۷۹۷ ق.) به کوشش عارف احمد عبدالغنی و زیاد محمود الفیاض (چاپ دمشق، دارکنان للنشر و التوزیع، ۱۴۳۱ ق./۲۰۱۰ م.). محققان کتاب اخیر فهرستی از نسخه‌های خطی رساله‌های تیراندازی و کمانداری در زبان عربی را در مقدمه خود آورده‌اند که بسیار ارزنده است.

نزد ادیبان ایرانی مشهور است که کمال‌الدین اسماعیل معروف به خلاق المعانی (متوفی ۶۳۵ ق.) شاعر اصفهانی اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم و فرزند جمال‌الدین عبدالرزاق شاعر، رساله‌ای در کمانداری نوشته است. اما در تذکره‌های کهن که شرح احوال این شاعر نامی آمده از جمله در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی از سده نهم، هیچ اشاره‌ای به رساله کمانداری او نشده است. این سخن از گفته مؤرخ سده هشتم، حَمْدُالله مستوفی (متوفی ۷۵۰ ق.) در تاریخ گزیده شایع شده است که از رساله قوسیه کمال‌الدین اسماعیل یاد کرده.<sup>۲</sup> در فهرستی که عارف احمد عبدالغنی و زیاد محمود الفیاض از نسخه‌های خطی رساله‌های تیراندازی و کمانداری عربی ارائه کرده‌اند از چند نسخه خطی الرسالة القوسیه از کسی به نام کمال‌الدین اسماعیل (یا جمال‌الدین اسماعیل) بن محمد بن عبدالرزاق الارجانی یا الأجهانی یاد شده است.<sup>۳</sup> گویا شباهت نام این مؤلف ناشناخته، که ظاهراً در سده هفتم می‌زیسته، با نام کمال‌الدین اسماعیل پسر جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی باعث شده است که نویسندگان تاریخ گزیده و دیگران این رساله قوسیه عربی را به شاعر فارسی‌گوی اواخر

۱. از دوست دانشمند در دانشگاه گوتینگن آلمان، جناب آقای دکتر محسن ذاکری، که این کتابها و رساله‌ها را به بنده معرفی کرد و متن آنها را لطفاً با پست الکترونیکی ارسال داشت، بسیار سپاسگزارم.

۲. مستوفی، حَمْدُالله: تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوبلی، ص ۷۶۴.

۳. اشرفی بکلمیشی یونانی، علاءالدین طَیِّغا: بُغیة العَرام و غایة العَرام فی رَمی السِّهام، مقدمه عارف احمد عبدالغنی و زیاد محمود الفیاض، صص ۱۳، ۱۵، ۲۱، ۲۲.



سده ششم، خلاق المعانی، نسبت بدهند و کمال الدین اسماعیل شاعر چنین رساله‌ای را تألیف نکرده است. تاکنون هیچ رساله‌ای به فارسی هم از این شاعر در کمانداری یافت نشده است.

کهنترین کتابی که به زبان فارسی نوشته شده است و بیش و کم با نوع ادبی رساله‌های تیراندازی مناسبتی دارد، چنانکه تا این زمان آگاهی داریم، کتاب آداب الحرب و الشجاعة از محمد بن منصور مبارکشاه معروف به فخر مدبر، نویسنده اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری است (به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۴۶ ش.). اما عنوان این کتاب با همه ابواب آن مناسبت ندارد و تقریباً نیمی از آن در سیاست مُدُن است و با جنگ و ابزارهای جنگی پیوندی ندارد. مبارکشاه فخر مدبر از باب یازدهم به بعد در این کتاب به ابزارهای جنگی و آداب جنگ پرداخته است که برخی از مطالب آن ابواب با مباحث رساله‌های تیراندازی قابل مقایسه است.

مبارکشاه فخر مدبر در باب یازدهم آداب الحرب و الشجاعة آنجا که سخن از تیر است می‌گوید: «و درین معنی استادان در تیراندازی کتابها کرده‌اند و شرح آن بازگفته»<sup>۱</sup>. این سخن او نشان می‌دهد که در دوران وی شمار رساله‌ها یا کتابهای تیراندازی بسیار و این نوع ادبی مشهور بوده است.

نسخه‌های خطی بسیاری از رساله‌های تیراندازی و کمانداری به زبان فارسی در کتابخانه‌های جهان محفوظ است که استوری در کتابشناسی خود از ادبیات فارسی نام و نشانی آنها را نقل کرده.<sup>۲</sup> خاطر نشان باید کرد که فخر مدبر کتاب خود را در هندوستان تألیف کرده است و طرفه آن است که بیشتر رساله‌های تیراندازی در شبه‌قاره هند تألیف شده است. به نظر دانشمند هندشناس ایرانی، استاد علامه ذوفنون، جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبائی، فخر مدبر در تألیف آداب الحرب و الشجاعة کاملاً به کتاب هندی آرتهه شاستره (Arthaśāstra) نوشته چاناکیه (Chānakya) از سده سوم پیش از میلاد مسیح نظر داشته که فصل هجدهم کتاب دوم آن درباره آداب جنگ و انواع رزم‌افزارها

۱. مبارکشاه (فخر مدبر): آداب الحرب و الشجاعة تصحیح احمد سهیلی خوانساری، ص ۲۲۲.

2. Storey, C. A., *Persian Literature, A Bio-bibliographical survey*, volume II, part 3, pp.378-382.

از جمله انواع تیرهاست. بنابراین تألیف آثاری درباره جنگاوری از جمله تیراندازی در هند باستان هم سابقه داشته است چنانکه یکی از همان آثار هم در دوره اسلامی به عربی ترجمه شده است به عنوان کتاب باجهرالهندي فی فراسات السیوف و نعتها و رسومها و علاماتها. در مهابهاراتا هم ضمن آنکه از آرجونا، اسطوره تیرانداز هندی، بحث شده درباره صفات تیراندازی و فنون آن هم مطالبی قابل توجه آمده است.<sup>۱</sup> چنین پیشینه‌ای می‌توانست زمینه‌ساز تألیف رساله‌های تیراندازی در دوره اسلامی در هند باشد. آنچه از رساله‌های تیراندازی و کمانداری در زبان فارسی تاکنون منتشر شده به ترتیب سال انتشار بدین قرار است:

جامع الهدایة فی علم الرماية، از نظام‌الدین احمد بن محمد بن احمد معروف به شجاع‌الدین درودباشی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، در نشریه فرهنگ ایران زمین (تهران، ج ۱۱، ۱۳۴۲ ش.).

رساله کمانداری، به کوشش ایرج افشار، در مجله بررسیهای تاریخی (سال سوم، شماره دوم، خرداد - تیر ۱۳۴۷ ش.).

منتخب الزمان در بیان تیراندازی، از محمدزمان مشهور به چراغ‌بیک، به کوشش ایرج افشار، مندرج در یادنامه سپهبد آق‌اولی، (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶ ش.). صاحب این قلم هم دو رساله تیراندازی و کمانداری را تصحیح و منتشر کرده است یکی در سروش پیر مغان، یادنامه شادروان جمشید سروشیان (به کوشش کتابون مزداپور، تهران، انتشارات ثریا، ۱۳۸۱ ش.) و دیگری در پهلوان‌نامه، مقالاتی در پهلوانی (به اهتمام کتابون مزداپور و زهرا باستی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۴ ش.). متن این دو رساله در کتاب حاضر هم مندرج است.

گذشته از آنچه گفته آمد، شادروان دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی هم مقاله‌ای با عنوان «کمانداری و تیراندازی در ادبیات فارسی» تألیف کرده که در مجله بررسیهای تاریخی منتشر شده است (سال ششم، شماره دوم، ۱۳۵۰ ش.) و مطالب آن با مباحث رساله‌های تیراندازی مناسبت دارد. همچنین است فرهنگی که دکتر منوچهر مشتاق

۱. از افادات شفاهی استاد دکتر مجتبی‌ای است. همچنین — مجتبی‌ای، فتح‌الله: بنگاه در قندپارسی، به کوشش شهریار شاهین‌دزی، ص ۱۰۷.

خراسانی به انگلیسی درباره نامهای ابزارهای جنگی و نبرد در ایران تألیف کرده که صفحاتی از آن هم به تیر و کمان اختصاص یافته است.<sup>۱</sup>

## ۴

اغلب رساله‌های تیراندازی را کسانانی نوشته‌اند که خود تیرانداز و جنگجو و سپاهی بوده‌اند. تاریخ اجتماعی ایران بر این گواه است که دست‌کم در دوره اسلامی طی سده‌های سوم تا دهم بیشتر مردمان سپاهی‌پیشه و رزمنده، از عیاران و پهلوانان بوده‌اند.<sup>۲</sup> بنابراین رساله‌های تیراندازی و کمانداری بیشتر اثر این طبقه اجتماعی است که بی‌کمان با آیین جوانمردی یا فتوت مرتبط بوده‌اند. ورزشکاران زورخانه‌ها نیز مردم همین طبقه بوده‌اند و ورزشهای زورخانه‌ای از جمله کشتی گرفتن، میل زدن و کباد کشیدن در واقع ورزشهای رزمی و برای آماده شدن در میدان نبرد بوده است.<sup>۳</sup> برای پیوند مردمان سپاهی‌پیشه با فتوت است که آیین زورخانه رنگ‌وبوی آیین فتوت یا جوانمردی دارد.

به هر تقدیر، تبخّر عیاران و پهلوانان در تیراندازی امری مسلم است. در اصل سلاح خاصّ عیاران «کمان گروه» بود و آنان به «رمی بندق» شهرت داشتند.<sup>۴</sup> از آنجا که ناصرالدین‌الله (حک: ۵۷۵ - ۶۲۲ ق.)، خلیفه عباسی، خود اهل فتوت و به رمی بندق علاقه‌مند بود و رهبری عیاران بغداد را به عهده داشت،<sup>۵</sup> ابن‌یقال کتاب خود المقتح فی المصطلح فی صید الطیر را به او تقدیم کرد و به نام او نوشت. کتاب او از سنخ رساله‌های تیراندازی است و همین امر پیوند این نوع ادبی را با فتوت و جوانمردی تأیید می‌کند. نکته مهم دیگر که باید یادآوری کرد این است که در سده نهم هجری مولانا حسین واعظ کاشفی در جامعترین فتوت‌نامه فارسی که با عنوان فتوت‌نامه سلطانی تألیف کرده، باب هفتم را به «اهل قبضه» اختصاص داده است. مقصود او از قبضه ابزارهای رزمی مانند تیغ (شمشیر)، سپر، گرز و کمان است و صاحبان این قبضه‌ها همان سپاهیان بوده‌اند.<sup>۶</sup> در فصل پنجم از باب هفتم فتوت‌نامه سلطانی زیر

۱. Moshagh Khorasani, Monouchehr: *Lexicon of Arms and Armor form Iran*, pp. 202-203, 410-421.

۲. چهارده رساله در باب فتوت و اسنانه مقدمه افشاری، ص ۱۹-۳۷.

۳. افشاری، مهران: «زورخانه، آداب و مراسم»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، ص ۷۵۷-۷۵۸.

۴. فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکسارانه مقدمه افشاری، ص ۲۵.

۵. همان، ص ۳۲-۳۳.

۶. کاشفی سبزواری، مولانا حسین: فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، ص ۳۳۷-۳۳۸.

عنوان «در قبضه کمان حرب و آنچه بدان تعلق دارد»، پاره‌هایی از مطالب رساله‌های تیراندازی را می‌توان ملاحظه کرد.<sup>۱</sup> این نیز پیوند رزم جویان و سپاهیان و تیراندازان را با فتوت و همچنین ارتباط رساله‌های تیراندازی را با فتوت‌نامه‌ها تأیید می‌کند و گر نه ملاحسین واعظ در کتابی که مختص فتوت تألیف کرده است، به آنها نمی‌پرداخت.

در فتوت‌نامه‌های کهنی که از قرن هفتم هجری باقی مانده است، مانند فتوت‌نامه منظوم مولانا ناصری سیواسی و فتوت‌نامه شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، جوانمردان یا همان اصحاب فتوت به دو گروه سیفی و قولی تقسیم شده‌اند. جوانمردان قولی بیش‌وکم اهل زهد و متمایل به تصوّف و از پیشه‌وران و کاسبان بازار و جوانمردان سیفی اصحاب شمشیر و عیارپیشگان و مردمان سپاهی بوده‌اند.<sup>۲</sup> بیشتر فتوت‌نامه‌هایی که امروزه در دست است، از نوشته‌های جوانمردان قولی یا همان اصناف پیشه‌ور و جوانمردان صوفی منش است و از گروه سیفی که اهل رزم و سپاهی‌پیشه بوده‌اند، یا همان عیاران و پهلوانان، جز یک فتوت‌نامه سپاهگران،<sup>۳</sup> رساله‌ای در فتوت یا جوانمردی به‌جای نمانده است. اما نوع ادبی رساله‌های تیراندازی و کمانداری چون درباره رفتارها و اعمال پهلوانان و جنگجویان است، جایگزین فتوت‌نامه‌های جوانمردان سیفی می‌تواند باشد و بیش‌وکم به گونه‌ای در ردیف رساله‌های اهل فتوت قرار می‌گیرد.

چنانکه در صفحه‌های پیشین گفته آمد، سنت تألیف رساله‌های تیراندازی دنباله سنت تألیف آیین‌نامه‌ها در دوره ساسانی است. با توجه به اینکه جوانمردی در آغاز آیین عیاران و جنگجویان و سپاهیان بوده و با گذشت زمان و با تأثیرپذیری از تصوّف آیین مردمان بازار و پیشه‌وران شده است،<sup>۴</sup> ظاهراً در آغاز رساله‌های تیراندازی نوشته شده و سپس‌تر به پیروی از آنها فتوت‌نامه‌های صنفی به رشته تحریر درآمده است. در این صورت می‌توان گفت که سنت تألیف فتوت‌نامه‌ها و بویژه فتوت‌نامه‌های صنفی هم به پیروی از سنت تألیف آیین‌نامه‌های دوره ساسانی بوده است با این تفاوت که در پیش از اسلام و در دوران درازمدت حکومت ساسانی، مردمانی فرهیخته از طبقه اشراف و

۱. همان، ص ۳۶۰-۳۶۴.

۲. مندرج در سی فتوت‌نامه دیگر، تصحیح و توضیح مهران افشاری، ص ۲۵۹-۲۶۲.

۳. فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، مقدمه افشاری، ص ۳۷.

۴. فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، مقدمه افشاری، ص ۳۷-۴۰.

نجیب‌زادگان و یا موبدان آیین‌نامه‌ها را تألیف می‌کرده‌اند و پس از اسلام مردمان بازار و کسانی از توده مردم فتوت‌نامه‌های صنفی را نوشته‌اند.<sup>۱</sup> طرفه آن است که نشانه‌های فتوت را در حماسه‌های منثور عامیانه یا همان قصه‌های نقالی هم می‌توان یافت و در حماسه‌سرایی هم این‌گونه رفتار شده است. در دوره ساسانی کسانی از طبقه اشراف و یا موبدان خدای‌نامه را نوشته‌اند و در دوره‌های بعد شاهنامه‌سرایی هم دنباله همان سنت است اما پس از اسلام توده‌های عوام هم حماسه‌هایی عامیانه را چون قصه سمک عیار، فیروز‌شاه‌نامه و قصه حسین کرد شبستری و دیگر قصه‌های نقالی پدید آورده‌اند که در ضمن آنها از جوانمردان و عیاران و آیین عیاری و جوانمردی ستایش شده است.<sup>۲</sup> توگفتی با فروپاشی حکومت مقتدر ساسانی، عوام ایران و مردمان کوچه و بازار هم رخصت و مجال یافتند تا به تقلید طبقه خواص، هم حماسه بسازند و هم آیین‌نامه بنویسند، اما به سبکی عامیانه و فراخور سواد و اندیشه توده‌های عوام.

به هر تقدیر، آنچه امروزه از ادبیات اصحاب فتوت در طیف وسیع آن به دست ما رسیده است، عبارت است از فتوت‌نامه‌ها، رساله‌های اصناف پیشه‌ور، رساله‌های قلندران و درویشان عجم و خاکسار، قصه‌های نقالی درباره عیاران و پهلوانان و رساله‌های تیراندازی و کمانداری. این منابع گذشته از آنکه خوانندگان را با آیین و باورداشتها و آداب اهل فتوت آشنا می‌کنند، مراجع اصلی برای شناخت و بررسی تاریخ اجتماعی ایران به‌شمار می‌آیند و دریچه‌ای تازه را از جهان ایران‌شناسی به روی دانشمندان و محققان و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادبیات ایران می‌گشایند.

اگر فتوت‌نامه‌ها ما را با اخلاقیات و مدنیت در جامعه کهن ایرانی و اسطوره‌ها و پنداره‌ها و آداب و رسوم اصناف پیشه‌ور و مردم بازار آشنا می‌کنند، و قصه‌های نقالی و حماسه‌های منثور عامیانه پیشینه و شگردهای قصه‌پردازی و خیال‌پروری و خواهشها و آرزوها را نزد نیاکانمان نشان می‌دهند، رساله‌های تیراندازی هم باعث شناخت

۱. نخستین بار استاد دانشمند و فرهیخته، بانو دکتر کتابون مزدلی‌پور به شباهت فتوت‌نامه‌های صنفی و رساله‌های تیراندازی با آیین‌نامه‌های عهد ساسانی توجه کرده‌اند. — افشاری، مهران: تازه‌ها، نوین، مقدمه مزدلی‌پور، ص ۱۲-۱۵.

۲. در این باره — بهار، مهرداد: جستاری چند در فرهنگ ایران، ص ۱۶۱-۱۶۵، مزدلی‌پور، کتابون: «روایتی از داستان پهلوان ایرانی»، منتشر در پهلوان‌نامه، ص ۱۶۳-۱۷۲.

بیشتر ما از آداب رزم و شکار و تاریخ ورزش و زورآوری و نیروافزایی در ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی مجاور ایران می‌شوند.

## ۵

کتاب حاضر فتح بابی برای احیاء و شناسایی نوع ادبی رساله‌های تیراندازی و کمانداری یا همان قوس‌نامه‌هاست و ادعایی ندارد که همه رساله‌های تیراندازی فارسی را دربر گرفته است. بی‌گمان شمار رساله‌های تیراندازی به فارسی بسیار بیشتر از رساله‌های این کتاب است و حتی شمار نسخه‌های خطی برخی از رساله‌های کتاب حاضر بیشتر از آن است که در تصحیح آنها در این کتاب استفاده شده است. جای آن است که پژوهندگان آینده به گردآوری و تصحیح همه رساله‌های تیراندازی براساس همه نسخه‌های خطی بپردازند و راهی را که ما با زحمت بسیار آغاز نموده‌ایم به انجام برسانند و خطاهای ما را اصلاح نمایند. کتابی که پیش روی شماست تنها در راستای تکمیل منابع فتوت فراهم آمده است تا چه پسند افتد و چه در نظر آید.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

مهران افشاری

تهران، باغ صبا، تیرماه ۱۳۹۶